The Culture of Islamic Architecture & Urbanism

A Reappraisal of the Principles and Indicators of the "Sustainable Community" to Apply It to the Urbanism of Islamic World in the Age of Globalization

Maryam Roosta*

Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran

(Received 3 Apr 2020, Accepted 9 Jun 2020)

In the historical study of the Muslim urban tradition, a primary features is the physical manifestation of Islam's "social dimensions" and, in particular, the key concept of "the Ummah." In the process of transformations induced by "globalization," the social layer of cities and the physical implications of it appear to be among the layers affected by several factors. In the last two decades, the social aspect of the sustainable development, termed as "social sustainability" and deemed by experts as the most important dimension and the ultimate goal of sustainability, is a concept that through a more precise understanding of its indices one can achieve the characteristics of a "sustainable society" to apply it to urban planning and designing. This article seeks to redefine indicators of the concept of "sustainable society" by studying the social dimensions of the tradition of urbanization of Muslims in a comparative approach, while analyzing the "social' effects of globalization on the city, and defining a "local" and "strategic" framework. The main research questions were: What are the most important social challenges of globalization in cities? How can the social principles of Islam and its emergence in the tradition of Muslim urbanization, on the one hand, and sustainable local community indicators, on the other, be used to meet the social challenges of globalization in cities? In addition to these two main questions, another sub-question was raised: To what extent are the social principles of Islam and the principles of a sustainable local community analogous in the conceptual framework of sustainable development? The study adopts an "interpretative" approach and uses the "quality" strategy and the "content analysis" method and "rational reasoning" to analyze the data deriving from documentary studies. After reviewing the social dimensions of globalization in cities, while adapting the spatial indices of the "sustainable community" and the socio-spatial aspects of the urbanization tradition of Muslims, a conceptual and strategic framework in line with the social challenges of globalization for use in urban design guidance documents was presented. To answer the second question, scholarly views on the principles and indicators of a sustainable community, on the one hand, and the social principles of Islam and its manifestation on the historical tradition of Muslim urbanization, on the other, were studied. Meanwhile, in order to answer the research sub-question, the two conceptual areas were aligned. According to this analysis, Islam's recommendation of "strong social relationships" has the most to do with sustainable community indicators. Also, "Strong neighborhood relationships", "Social supervision" and "Practicing Islamic social rules" as the most important social principles of Islam in exposure with social challenges of globalization was explained. This paper presents a conceptual and strategic framework for addressing the social challenges of globalization in cities using the corresponding social principles of Islam, as well as relevant indicators of sustainable local community, for application in urban design and planning. In future research, quantification of these strategies will be followed up by quantitative methods of field and case studies.

Keywords: Sustainable Community, Globalization, Social principles of Islam, Muslims Urbanism Tradition.

* Corresponding author. E-mail: m-roosta@shirazu.ac.ir

Copyright© 2020, the Authors | This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial .terms

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

مقالهٔ پژوهشی

DOI: 10.29252/ciauj.5.1.151

سال پنجم، شماره اول- بهار و تابستان ۹۹

بازنگری اصول و شاخص‌های «اجتماع پایدار» به‌منظور کاربست در شهرسازی جوامع اسلامی در عصر جهانی‌شدن

مریم روستا*

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۰۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۰۲)

چکیده

در بررسی تاریخی سنت شهرسازی مسلمانان، یکی از مهم‌ترین بارزه‌ها، تجلی کالبدی مفهوم کلیدی «امت» است. به نظر می‌رسد در فرآیند دگرگونی‌های حاصل از «جهانی‌شدن» نیز یکی از لایه‌هایی که دست‌خوش تأثیرات بسیار شده‌است و خواهد شد، لایهٔ اجتماعی شهرها و اقتضائات کالبدی حاصل از آن باشد. در دو دههٔ اخیر، وجه اجتماعی «توسعه پایدار»، مفهومی است که شناخت دقیق‌تر شاخص‌های آن می‌تواند ویژگی‌های یک «اجتماع پایدار» را به‌منظور کاربست در برنامه‌ریزی و طراحی شهر به دست دهد. این نوشتار در پی آن است که ضمن بررسی تأثیرات «اجتماعی» جهانی‌شدن بر شهر، شاخص‌های حاصل از مفهوم «اجتماع پایدار» را به کمک خوانش ابعاد اجتماعی سنت شهرسازی مسلمانان و با رویکردی تطبیقی، بازتعریف نماید و چارچوبی «محلی» و «راهبردی» به‌منظور مواجهه با این چالش‌ها در طراحی و برنامه‌ریزی شهری ارائه کند. رویکرد پژوهشی این مقاله، «تفسیری» است و از راهبرد «کیفی» به‌منظور تحلیل داده‌های حاصل از مطالعات اسنادی استفاده‌شده است. به کمک این روش‌ها، ضمن تبیین شش چالش اصلی اجتماعی جهانی‌شدن؛ «یکنواختی فرهنگی»، «ظهور جامعه شبکه‌ای»، «اجتماعات فرا ملّی»، «روابط مجازی»، «شهروندی جهانی» و «تضعیف ارزش‌های بومی و محلی»، راهکارهایی برگرفته از اصول اجتماعی اسلام و سنت شهرسازی مسلمانان و نیز اصول اجتماعی «توسعه پایدار» برای این چالش‌ها ارائه شده‌است. در چارچوب نظری ارائه‌شده، «روابط مستحکم اجتماعی»، «روابط مستحکم همسایگی»، «نظارت اجتماعی» و «عمل به شرایع اجتماعی اسلام» به‌عنوان مهم‌ترین اصول اجتماعی اسلام در رؤیایی با چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن، طرح شده‌اند و بارزه‌های آن در سنت شهرسازی مسلمانان تبیین شده و با اصول پایداری اجتماعی تطبیق داده‌شده است.

واژگان کلیدی

اجتماع پایدار، جهانی‌شدن، امت، شهرسازی جوامع اسلامی.

* نویسندهٔ مسئول مکاتبات: m-roosta@shirazu.ac.ir

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

مقدمه

جهانی‌شدن همراه با الزامات آن یعنی انقلاب اطلاعات، فنّاوری ارتباطات، مجازی‌سازی، خصوصی‌سازی و اقتصاد و جامعه شبکه‌ای، جریانی ظهور یافته در دهه‌های اخیر است که بسیاری از شهرهای دنیا را تحت تأثیر قرار داده‌است یا خواهد داد. این جریان، در قیاس با تغییرات تکاملی دوره‌های پیشین شهر، در مقیاس یک دگرگونی انقلابی به نظر می‌رسد و در کل، متفاوت با گذشته است.

صحبت از شهرهای جهانی و چندفرهنگی است، صحبت از بین‌المللی شدن و جهان‌وطن‌گرایی است، صحبت از تکثر هویت‌ها، تفکرات ارتباطی جدید و هویت ریزومی[1] است. صحبت از شهرهایی با بافت الکترونیکی و اطلاعاتی به جای بافت کالبدی است (Daneshpour et al. 2014, 225). جایی که به گفتهٔ کاستلز، تکنولوژی اطلاعات، سبب آزادسازی فعالیت‌ها از قید محیط شده است (Castells 2002).

این جریان هم‌زمان با رواج گفتمان توسعهٔ پایدار در دنیا و به‌تبع آن در حوزه‌های شهرسازی، چالش‌ها و تناقض‌هایی را ایجاد کرده که لازم است در قالب پژوهش‌های علمی به آن پرداخته شود. تحقق بُعد اجتماعی توسعهٔ پایدار که از آن به‌عنوان «پایداری اجتماعی» یاد می‌شود و هدف غایی آن نیل به یک «اجتماع محلی پایدار»[2] است، الزامات، شاخص‌ها و بایسته‌هایی دارد که در تناظر با ابعاد اجتماعی جهانی‌شدن باید موردبررسی قرار گیرد. در پژوهش‌های شهرسازی، بُعد اجتماعی توسعهٔ پایدار و درواقع «پایداری اجتماعی»، به‌عنوان قابلیت یک محیط شهری، به‌منظور استمرار حضور یکپارچه، عادلانه و همه‌شمول گروه‌های مختلف اجتماعی در شهر و تعامل سالم آن‌ها در این محیط‌ها، تعریف و تبیین شده است.

اسلام، به‌عنوان دینی که بنیان خود را بر اجتماع قرار داده و در هیچ شأنی از شئون بشری، مسئلهٔ اجتماع را مهمل نگذاشته (Tabatabaee 1996, 254)، تأثیراتی بر سنت شهرسازی مسلمانان در چهارده قرن اخیر داشته‌است که با مرور این سنت‌ها و دلالت‌های آن در ابعاد اجتماعی، می‌توان به راهبردهای شهرسازانه‌ای برای کاربست در شهرسازی جوامع اسلامی در عصر حاضر، دست‌یافت. به نظرمی‌رسد بخش قابل‌توجهی از اصول اجتماعی اسلام و تأثیرات آن بر سنت شهرسازی مسلمانان، قابل تطبیق با «اصول اجتماعی توسعه پایدار» و شاخص‌های آن در حوزهٔ برنامه‌ریزی و طراحی شهری باشد. این نوشتار در پی آن است که با مطالعهٔ سه حوزهٔ نظری «ابعاد اجتماعی جهانی‌شدن»، «اصول و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار» و «اصول اجتماعی اسلام و تجلی آن در سنت شهرسازی مسلمانان» و به کمک اصول اجتماعی اسلام و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار، چهارچوبی مفهومی و راهبردی به‌منظور مواجهه با چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن در شهرها تدوین کند.

سؤالات اصلی این پژوهش، به این صورت قابل‌طرح است؛ مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن در شهرها کدام است؟ چگونه می‌توان از اصول اجتماعی اسلام و بروز آن در سنت شهرسازی مسلمانان و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار به‌منظور مواجهه با این چالش‌ها در طراحی و برنامه‌ریزی شهری بهره گرفت؟ در ضمنِ این دو سؤال اصلی، پرسش فرعی دیگری نیز مدنظر این پژوهش است که «اصول اجتماعی اسلام» و شاخص‌های یک «اجتماع محلی پایدار» در چهارچوب مفهومی توسعه پایدار تا چه میزان در تشابه و اشتراک با هم قرار دارند؟

۱. روش پژوهش

رویکرد این پژوهش در روش‌شناسی، «تفسیرگرایی» است و به‌منظور پاسخ به این پرسش‌ها، داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ایِ لازم جمع‌آوری شده و به کمک راهبرد «کیفی» و روش‌های «تحلیل محتوای کیفی» و نیز «استدلال منطقی»، این داده‌ها تا رسیدن به یافته‌های موردنظر و پاسخ به پرسش‌های

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

پژوهش، در چند مرحله تحلیل شده‌اند.

«تحلیل محتوای کیفی»، نوعی روش تحقیقِ در خدمت تفسیر ذهنی محتوایی داده‌ها از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای مشخص است که «نظریه‌پردازی» به‌جای «آزمون نظریه» از ویژگی‌های بنیادی آن محسوب می‌شود (Hsieh & Shanon 2005, 1281).

۲. مبانی نظری

۲-۱. جهانی‌شدن و چالش‌های اجتماعی آن برای شهر

جهانی‌شدن واقعیت اجتماعی گریزناپذیری ارزیابی می‌شود که در آینده‌ای نه‌چندان دور همهٔ جوامع انسانی و مستقل و مجزا از هم را فرا خواهد گرفت و پیش‌بینی می‌شود که درنتیجهٔ گسترش آن، نظام فرهنگی–اجتماعی مشترک و درعین‌حال تکثرگرایی بر جهان حاکم شود که ساختارهای فرهنگی–اجتماعی متنوعی را در چارچوب یک آگاهی مشترک جهانی‌شده پوشش می‌دهد (Latifi, and Davoodvandi 2009, 189).

از نظر «مالکوم واترز»، جهانی‌شدن فرآیندی اجتماعی است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده‌ای از کاهش این قیدوبندها آگاه می‌شوند (Waters 2000, 12). آنتونی گیدنز، جهانی‌شدن را موجب پیوند مکان‌های دور از هم و تأثیرگذاری حوادث و رویدادهای سراسر جهان بر یکدیگر می‌داند (Pourahmad et al. 30).

در ابعاد اجتماعی و فرهنگی، دو تلقی عمده، از جهانی‌شدن وجود دارد. تلقی غالب، به وجود آمدن یک فرهنگ فراگیر برای همه ملت‌های جهان است که با همهٔ فرهنگ‌های محلی، ملی و قاره‌ای موجود، متفاوت به نظر می‌رسد. فرهنگی که به‌موازات گسترش و تعمیق آن، فرهنگ‌های بومی به‌تدریج روبه‌زوال می‌روند. برداشت دوم، برداشتی است که جهانی‌شدن را معادل با قربانی‌شدن فرهنگ‌های محلی نمی‌داند. صاحب‌نظران این دسته، معتقد هستند در شرایط جهانی‌شدن، بسیاری از شاخص‌های بومی و محلی برجسته‌تر می‌شوند و در بوم‌گاه‌های محلی تجلی می‌یابند (Pishgahifar 2001, 158).

پوراحمد و همکاران، افزایش به هم‌پیوستگی و ارتباطات فردی و اجتماعی در گسترهٔ جهانی و ارتقاء مقیاس تأثیر فعالیت‌ها و عملکردهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سطح جهانی را از ویژگی‌های جهانی‌شدن در بعد اجتماعی می‌دانند (Pourahmad et al. 2011, 32).

فرانک وبستر، با اندکی مسامحه، جامعهٔ جدید را جامعهٔ اطلاعاتی می‌خواند. او به بحث راجع به ویژگی‌های این جامعه می‌پردازد و با استفاده از نظریات اندیشمندان این حوزه، یادآور می‌شود که در جامعهٔ جدید، اطلاعات، رکن اساسی جامعه است (Webster 2001).

مانوئل کاستلز نیز با مهم دانستن نقش و جایگاه اطلاعات، از ظهور جامعه شبکه‌ای خبر می‌دهد. استدلال اصلی کاستلز در کتاب «عصر اطلاعات» آن است که جهان جدید به‌صورت یک شبکه درآمده است، شبکه‌ای که تاروپود آن را اطلاعات و نظام ارتباطات الکترونیک تشکیل می‌دهد (Castells 2002).

تاملینسون با طرح ایدهٔ «جهان‌وطنی»[۳]، آن را به معنی شهروند جهانی‌بودن و داشتن مشربی فرهنگی می‌داند که به علایق محلی محدود نمی‌شود بلکه تعلق، دخالت و مسئولیت جهانی را به رسمیت می‌شناسد (Tomlinson 2014, 78).

دانشپور و همکاران، در پژوهش خود ضمن اشاره به نقش مهاجرت جهان‌شهرها، گذر از اجتماعات محلی به‌سوی اجتماعات فرا ملّی را از ویژگی‌های شهر در عصر جهانی‌شدن می‌دانند. آن‌ها ضمن تأکید بر پارادوکسیکال بودنِ مفهوم «جهانی‌شدن»، اشاره دارند که این موضوع، از یک‌سو با فرهنگ واحد جهانی و فرهنگ جمعی که یکنواختی و یک‌شکلی مکان‌ها را با خود دارد، همراه است و از دیگرسو با تأکید بر ویژگی‌های محلی سعی بر کثرت‌مداری و چندشکلی بودن دارد (Daneshpour et al. 2014, 224).

در فضای شهر جهانی امروز و تحت تأثیر فضاهای اطلاعاتی، صحبت از فرهنگ واقعیت مجازی[۴] است که در آن هویت، در چارچوب انتقال نمادها به وسیلهٔ واسطه‌های

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

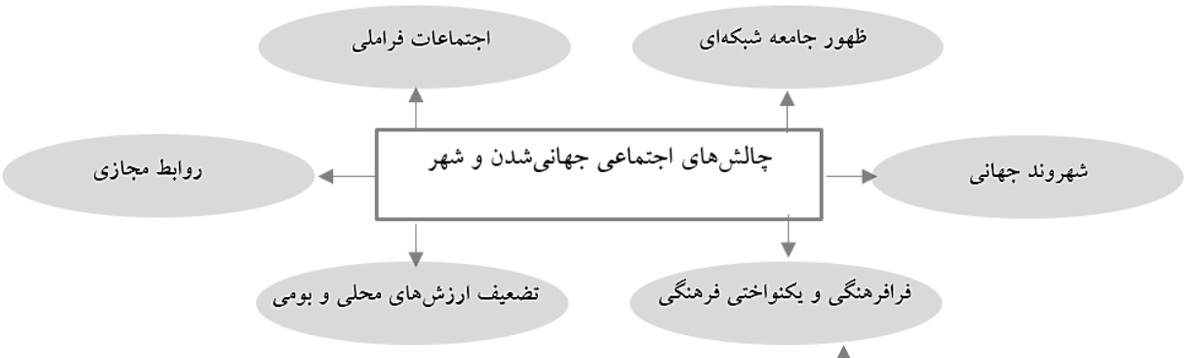

تصویر ۱: نمودار چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن در شهر

Fig. 1: Social Challenges of Globalization in the City

الکترونیک مطرح می‌شود که به وجود آمدن چندگانگی فرهنگی و نوعی فرافرهنگ و ظهور انسان‌هایی با هویت مرکب، از نتایج آن است. به‌تبع این آمیختگی زبانی و نژادی، هویت فضاهای شهری به‌عنوان صورتی از مکان و به‌عنوان عاملی وابسته به هویت افراد، دگرگون می‌شود (Castells 2002, 152).

در نمودار تصویر شماره ۱، چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن برای شهرها در مرور ادبیات، به‌صورت خلاصه آمده است. همان‌گونه که در این نمودار دیده می‌شود؛ ظهور جامعه شبکه‌ای، اجتماعات فرا ملّی در مقابل اجتماعات محلی، روابط مجازی، تضعیف ارزش‌های محلی و بومی، فرافرهنگی و یکنواختی فرهنگی و شهروندیت جهانی، از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن برای شهرها محسوب می‌شوند.

۲-۲. شهرسازی و اجتماع محلی پایدار

عنوان «اجتماع پایدار»[۳] برای اولین بار در قالب چهارچوب مفهومی توسعه پایدار و بعد اجتماعی آن یعنی «پایداری اجتماعی»[٤] مطرح شد. اگرچه «پایداری اجتماعی» مفهومی در حوزهٔ علوم اجتماعی محسوب می‌شود، اما دستیابی به آن و تحقق «اجتماع پایدار» مستلزم تلاشی میان‌رشته‌ای است. در این میان، دانش‌های محیطی ازجمله شهرسازی نیز با بسترسازی محیطی در جهت نیل به یک اجتماع پایدار، نقش بسزایی ایفا می‌کنند.

در پژوهش‌ها، چهار مفهوم «سرمایه اجتماعی»، «انسجام اجتماعی»، «عدالت اجتماعی» و «شمولیت اجتماعی» را از مفاهیم کلیدی و مرتبط با «پایداری اجتماعی» می‌دانند (Hemani & Das 2015, 174; Mazumdar et al. 2017, 125; Bramley & Power 2009, 34).

کلانتونیو، معیارهای پایداری اجتماعی را تساوی، شمولیت، انعطاف‌پذیری و ایمنی برمی‌شمرد (Colantoni, 2009, 56). بریملی و پاور، دو بعد کلیدی پایداری اجتماعی را تساوی اجتماعی و پایداری اجتماع محلی می‌دانند. آن‌ها امکان دسترسی همگانی به انواع خدمات و کاربری‌های محلی را به‌عنوان مهم‌ترین شاخص تساوی اجتماعی در توسعه‌های شهری معرفی می‌کنند و تعامل با ساکنان، مشارکت در مجموعه‌ای از فعالیت‌های جامعه محلی، حس تعلق به اجتماع محلی، ثبات سکونتی و ایمنی را از شاخص‌های پایداری اجتماع محلی می‌دانند (Bramley & Power 2009, 35).

چان و لی، در پژوهش خود ضمن مرور ادبیات، مهم‌ترین شاخص‌های ذکرشده به‌منظور ارتقاء پایداری اجتماعی در توسعه‌های شهری را در شش دسته خلاصه می‌کنند: تدارک زیرساخت‌های اجتماعی، در دسترس‌بودن فرصت‌های شغلی، دسترسی، طراحی منظر شهری، حفاظت از ویژگی‌های متمایز محلی و توانایی تحقق نیازهای روان‌شناختی (Chan & Lee 2008, 252). یانگ، چان و زو، در پژوهشی در شانگهای، عوامل مؤثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی را چنین برمی‌شمارند: تدارک فرصت‌هایی برای درگیر شدن در موقعیت‌های عمومی و اجتماعی، مشارکت

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

اجتماعی، حفظ هویت فرهنگی و حافظهٔ جمعی مشترک، حفظ معانی مشخص، ارتقاء حس مکان و فرهنگ محلی، حفظ شرایط مناسب فیزیکی در راستای فرهنگ‌سازی و آموزش (Yung, Chan & XU 2011, 98).

در دو منبع حاصل از پژوهش‌هایی در هند، پژوهشگران، ضمنِ مرور ادبیات، پایداری اجتماعی را در پنج عامل؛ تعامل اجتماعی، اعتماد متقابل، حس افتخار و تعلق به مکان، مشارکت اجتماعی و احساس امنیت خلاصه می‌کنند (Hemani, Das & Chowdhury 2016, 172; Hemani & Das 2015, 22). اکتای نیز در پژوهشی در شهرهای ترکیه، از افزایش تراکم، اختلاط کاربری، ارتقاء حمل‌ونقل پایدار، بهبود وضعیت فضاهای باز شهری، تلفیق محیط شهری با طبیعت و توسعه اجتماع محلی، به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های مؤثر بر بهبود پایداری اجتماعی در طراحی شهری یاد می‌کند (Oktay 2004, 28).

مؤسسهٔ ODPM در پژوهشی، یک اجتماع محلی پایدار را دارای هشت ویژگی می‌داند: فعال، همه‌شمول، امن، اداره و اجرای خوب، حساسیت بالای محیطی، طراحی و ساخت خوب، ارتباطات خوب، پیشرفت اقتصادی، خدمات خوب، شرایط عادلانه برای همه (ODPM 2006, 46).

انجمن خدمات اجتماعی غرب استرالیا، ویژگی‌های یک اجتماع محلی پایدار را چنین برمی‌شمرد: تساوی، تنوع، ارتباط درونی، کیفیت زندگی و دموکراسی (Barron & Gauntlett 2002, 67).

پارتریج، کیفیت زندگی، تساوی، شمولیت، دسترسی و فرآیندهای مشارکتی را از ویژگی‌های یک اجتماع محلی پایدار می‌داند (Partridge 2005, 138). آرندل و رونالد نیز، سه شاخص اصلی یک اجتماع محلی پایدار را سرمایه اجتماعی، حس اجتماع محلی و رضایت از محیط سکونتی می‌دانند (Arundel & Ronald 2015, 28).

جدول ۱: ابعاد و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار در مرور ادبیات
Table 1: Sustainable Community Dimensions and Indicators in Literature Review

	نام پژوهش‌گر	سال پژوهش	ابعاد و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار
۱	Barron and Gauntlett	2002	تساوی– تنوع– ارتباط درونی– کیفیت زندگی – دموکراسی
۲	Oktay	2004	افزایش تراکم– اختلاط کاربری– ارتقاء حمل‌ونقل پایدار– بهبود وضعیت فضاهای باز شهری– تلفیق محیط شهری با طبیعت – توسعه اجتماع محلی
۳	Partridge	2005	کیفیت زندگی– تساوی– شمولیت– دسترسی– فرآیندهای مشارکتی
۴	ODPM	2006	فعال– همه‌شمول– امن– اداره و اجرای خوب– حساسیت بالای محیطی– طراحی و ساخت خوب– ارتباطات خوب– پیشرفت اقتصادی– خدمات خوب– شرایط عادلانه برای همه
۵	Chan and Lee	2008	تدارک زیرساخت‌های اجتماعی– در دسترس‌بودن فرصت‌های شغلی– دسترسی– طراحی منظر شهری– حفاظت از ویژگی‌های متمایز محلی –توانایی تحقق نیازهای روان‌شناختی
۶	Bramley and Power	2009	تعامل با ساکنان– مشارکت در جامعه محلی– حس تعلق به اجتماع محلی– ثبات سکونتی– ایمنی
۷	Dempsy et al.	2009	قلمرو عمومی جذاب– مسکن خوب– کیفیت مطلوب – محیط محلی دسترسی‌پذیر– همسایگی پیاده‌مدار
۸	Colantonio	2009	تساوی، شمولیت، انعطاف‌پذیری و ایمنی
۹	Yung, Chan and Xu	2011	تدارک فرصت‌هایی برای درگیرشدن در موقعیت‌های اجتماعی– مشارکت اجتماعی– حفظ هویت فرهنگی و حافظه جمعی مشترک– حفظ معانی متمایز– ارتقاء حس مکان و فرهنگ محلی– حفظ شرایط مناسب فیزیکی در راستای فرهنگ‌سازی و آموزش
۱۰	Arundel and Ronald	2015	سرمایه اجتماعی– رضایت از محیط سکونتی– حس اجتماع محلی
۱۱	Hemani and Das	2015	تعامل اجتماعی، اعتماد متقابل، حس افتخار و تعلق به مکان، مشارکت اجتماعی و احساس امنیت

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

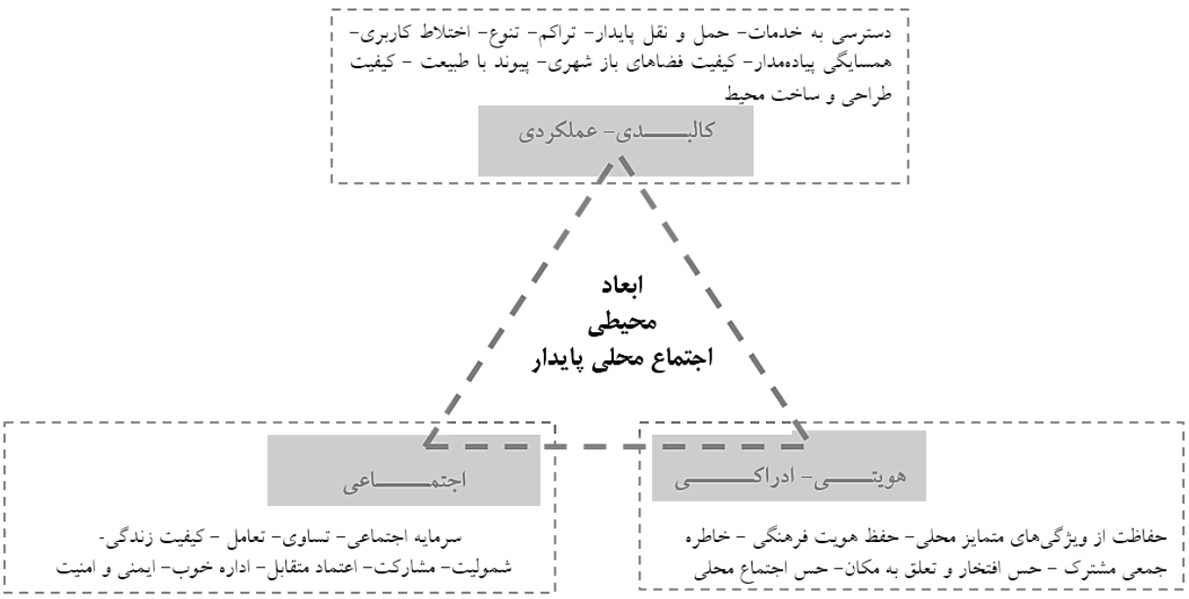

تصویر ۲: ابعاد محیطی یک اجتماع محلی پایدار

Fig. 2: Environmental Dimensions of a Sustainable Community

در جدول شماره ۱، نظرات پژوهشگران مختلف از یازده منبع مختلف در باب ابعاد اجتماع محلی پایدار آمده است.

خلاصه شاخص‌های ارائه‌شده برای یک اجتماع محلی پایدار در پژوهش‌های مختلف پس از تحلیل و خلاصه‌سازی و حذف کدهای تکراری، در قالب بیست و سه شاخص و با تفکیک در سه بعد؛ «عملکردی- کالبدی»، «هویتی- ادراکی» و «اجتماعی»در تصویر زیر ارائه شده است (تصویر ۲).

۲-۳. اصول اجتماعی اسلام و شهرسازی مسلمانان

مونتگومری وات در کتاب اسلام و تکامل وحدت جامعه، بیان می‌کند: نامی که انسان‌ها یا مکاتب حاکم بر زندگی‌شان بر جامعه خود می‌گذارند، مبین بینش و تلقی آن‌ها از زندگی اجتماعی است و برای فهم تلقی اسلام از جامعه، باید ریشه‌های لغوی «امت» را کنجکاوی کرد (Shariati 1998, 36). شریعتی مفهوم امت را بسیار مترقی‌تر و پویاتر از سایر مفاهیم، در این حوزه می‌بیند. وی تصریح می‌کند که سایر اصطلاحات مشابه، ایستا هستند و تنها «امت» است که پویا به نظر می‌رسد.

ایزوتسو معتقد است «امت» با هر چیز مرتبط با فرهنگ اسلامی، ارتباط دارد. قرآن بر مبنای «امت»، اندیشه‌ای تازه را در خصوص وحدت اجتماعی عرضه کرد که این وحدت، دیگر بر روابط خویشاوندی متکی نبود بلکه از اعتقادات مشترک دینی برمی‌خاست (Izutsu 2001, 96).

اصول اجتماعی اسلام، بر شکل شهرهای مسلمانان تأثیر بسیار گذاشته است تا آن‌جا که برخی معتقد هستند وجوه متمایزکننده شهرهای مسلمانان با غیر آن، عمدتاً در خصایص اجتماعی جامعه شهری ساکن در شهرهای اسلامی و غربی است (Pourahmad & Mousavi 2010, 2).

تحقق مفهوم کلیدی «امت» در شهرها و جوامع اسلامی مستلزم توجه و پایبندی به اصول و دستوراتی است که در هفت دسته زیر به آن اشاره شده و تجلیات آن در شهرسازی نیز آمده است:

الف) روابط مستحکم و تعاملات اجتماعی: اسلام به روابط اجتماعی به‌منظور کاهش انزوای مردم از دیگران و به زندگی اجتماعی، در مقیاسی وسیع‌تر و گروهی تشویق می‌کند. «مصابره» و «مرابطه» دو مفهوم و دستور قرآنی هستند که به هدف استحکام روابط اجتماعی در جامعه اسلامی به آن‌ها توصیه‌شده است.

یکی از مظاهر نشان‌دهنده هم‌بستگی در شهرهای مسلمانان، وجود محله‌های مشخص و هویت‌مند است. پیامبر اسلام «خطاط» (محلات یا بخش‌ها) را به قبایلی با پیشینه‌های قومی متفاوت، باوجود همگن بودن، بدون توجه

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

به دارایی یا تنگدستی ایشان می‌بخشیدند (Hakim 2002, 76).

فرم شهری محیط مصنوع مسلمانان، به‌طور عمده برای دستیابی به اصول اسلامی در تعاملات اجتماعی و روابط قوی مردمی کمک می‌کرد. تعامل اجتماعی و وحدت، به‌عنوان اصول کلیدی چارچوب اجتماعی اسلام، منجر به ایجاد تراکم شهری در مناطق مسکونی می‌شدند. «س.بیانکا» معتقد است تراکم کالبدی در شهرهای سنتی اسلامی تنها به‌منظور فشرده‌سازی فضایی نیست، بلکه ارتباط اجتماعی به‌هم‌پیوسته نیز در این اصل، سهیم هستند (Mortada 2007, 117). عثمان نیز معتقد است اثر این فشردگی خیلی آشکار بر زندگی شهر نیز منعکس شد؛ زیرا موجب همبستگی اجتماعی میان افراد یک محله می‌شد و پیوستگی بناها به یکدیگر همچنین سبب سهولت و افزایش برقراری ارتباط میان افراد یک خانواده می‌شد (Osman 1998, 46).

هم‌چنین وجود بازار در شهرهای سنتی مسلمانان نیز با توجه به موقعیت و جایگاه شهری آن، وجود فضاها و مراکز مهم شهر در امتداد آن و هم‌چنین نقش و منزلت بازاریان در زندگی شهری، سبب می‌شد که بازار تنها در حد یک فضای اقتصادی باقی نماند، بلکه تبدیل به فضایی برای بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی شود (Pourjafar & Mahmoudinejad, 2009).

ب) عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی، ویژگی کلیدی و مظهر حیاتی «امت» است. در اسلام، تعبیر عدالت اجتماعی، مفهومی مطلق محسوب می‌شود نه نسبی. این تعبیر به‌عنوان یک نظام اجتماعی، از این حقیقت نشئت می‌گیرد که خداوند واحد، تمام انسان‌ها را به‌طور بالقوه یکسان و برابر آفریده است. هم‌چنین مهم‌ترین هدفی که پیامبران به خاطر آن مبعوث شدند و در طول حیاتشان پیوسته در راستای آن تلاش کردند، دست‌یابی به عدالت بوده است (Mortada 2007, 49).

«پیتربریج» در تجزیه‌وتحلیل‌های خود از شهر سنتی بغداد که در قرن ۸ میلادی، توسط خلیفه عباسی، طراحی شد، می‌گوید: محله‌ها بر پایهٔ طبقات اجتماعی تقسیم‌بندی نشده‌اند، هر یک به‌منزلهٔ یک بدنه منسجم بوده‌اند که فقیر و غنی کنار یکدیگر با سهیم‌بودن در مساجد، چشمه‌ها، حمام‌های عمومی و بازار زندگی می‌کردند (Michell 2009, 195).

ج) روابط همسایگی: در دین اسلام، آن‌چنان در مورد همسایه سفارش شده که این تصور پیش‌آمده بود که حتی همسایه از همسایه ارث می‌برد. حفظ حقوق همسایه و تلاش برای برقراری روابط محکم همسایگی، از مهم‌ترین موارد توصیه‌شده در اسلام به‌منظور تحقق یک همسایگی اسلامی است (Mortada 2007, 52).

مرتضی – شهرساز اسلامی– بیان می‌کند که مسلمانان ملزم به تلاش فراوان در جهت تقویت روابط همسایگی و حفظ حقوق همسایگان هستند؛ همان‌گونه که در قرآن و سنّت آمده است. بر اساس حدیث پیامبر اسلام که تا چهل خانه را همسایه شمرده بودند، عدد چهل نمایانگر محدوده تعداد واحدهای هر بلوک است که در بسیاری از شهرهای سنتی مسلمانان دیده می‌شود (Mortada 2007, 117).

د) عمل به شرایع دینی– اجتماعی: در نگاهِ قرآنی، تنها ضامن حفظ اجتماع، عمل به شرایع الهی برشمرده شده است. ضمن آن‌که بسیاری از شرایع دینی مانند نماز (جماعت)، جهاد، حج، زکات و غیره در بستر اجتماع معنا می‌دهند و انجام آن‌ها به حفظ و تقویت امت اسلامی منجر خواهد شد.

وجود مسجد در مرکز محله‌ها در شهرهای مسلمانان را می‌توان تجلی لزوم عمل به شرایع دینی (فریضه نماز) در بستر زندگی اجتماعی و تأثیر آن بر روابط اجتماعی در جامعهٔ اسلامی دانست.

ه) نظارت اجتماعی: مهم‌ترین دستور اسلام در راستای تحقق نظارت اجتماعی، «امربه‌معروف و نهی از منکر» است. جامعه در اسلام، بر مبنای این فریضه، قوام می‌گیرد و این مهم، نه‌تنها از مسئولیت‌های اجتماعی امت اسلامی است، بلکه از حقوق اجتماعی آن نیز به شمار می‌آید (Ahmadi 2009, 6).

در شهرهای مسلمین، بن‌بست‌ها، بازارچه‌ها، میدان و میدانچه‌ها، هر یک در سلسله‌مراتبی از مقیاس‌ها محل تعاملات اجتماعی مردم توأم با نظارت اجتماعی بوده‌اند. عبدالستار عثمان، بیان می‌کند معابر و گذرگاه‌های اختصاصی

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

که درهای آن به روی غریبه‌ها بسته می‌شد یکی از علل سهولت برقراری ارتباط میان ساکنان یک کوچه به شمار می‌رفت (Osman 1998, 85).

و) رعایت حقوق دیگران: قاعده مهمی در فقه اسلامی به نام «لاضرر» وجود دارد که به معنی نفی مشروعیت هرگونه ضرر و اضرار در اسلام است. بر این اساس، هیچ فردی در جامعه اسلامی حق ندارد با فعل و گفتار خود، آسیب و ضرری را متوجه سایر افراد جامعه گرداند.

به عقیده «محمد عبدالستّار عثمان»، اولین و فراگیرترین قاعده مؤثر بر ساخت شهرهای مسلمانان، قاعدهٔ «لا ضرر» است که از پیامبر اسلام نقل شده است. بر اساس این حکم، دود زیان‌آور، بوی نامطبوع و صدای ناهنجار، درصورتی‌که بیش‌ازحد مجاز بودند، سه نشانه به شمار می‌رفتند که از طریق آن‌ها مردم متضرر می‌شدند. بنابراین دورساختن تأسیسات و صنایع از مناطق مسکونی واجب شد (Osman 1998, 87). در راستای تحقق این اصل اسلامی، محدودیت‌هایی برای شکل ظاهری بناهای شهرهای اسلامی وضع می‌شد که به‌موجب آن، شکل ظاهری بنا باید به‌گونه‌ای بود که موجب آزار رسانیدن به دیگران نمی‌شد. بازار نیز می‌بایستی مزاحمتی برای محله‌های مسکونی ایجاد نمی‌کرد (Okhovvat et al. 2010, 46).

ز) ایمنی و امنیت: در قرآن مجید از امنیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین صفات یک شهر، یادشده است. حضرت ابراهیم پس از تجدید بنای کعبه و بنیان نهادن شهر مکه، به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی، از خدا می‌خواهد که این شهر را «امن» قرار بدهد، اصلی که به‌عنوان پیش‌شرط برقراری روابط اجتماعی در یک شهر محسوب می‌شود.

خلاصه مباحث ارائه‌شده در این قسمت، در جدول شماره ۲ آمده است.

۳. یافته‌ها، تحلیل و بحث

همان‌گونه که اشاره شد، تحلیل داده‌ها در این مقاله، به شیوهٔ «استدلال منطقی» انجام می‌شود. به کمک این روش، ابتدا دو رکن مبانی نظری پژوهش یعنی «شاخص‌های اجتماع محلی پایدار» و «اصول اجتماعی اسلام» در تناظر باهم قرار می‌گیرند. به‌منظور فهم و ارائه بهتر این موضوع، نمودار

جدول ۲: اصول اجتماعی اسلام و تجلی آن در شهرسازی مسلمانان
Table 2: Social principles of Islam and its manifestation in Muslim urbanization

	اصول اجتماعی اسلام	تجلیات فرمی در شهرسازی مسلمانان
۱	روابط مستحکم و تعاملات اجتماعی	وجود محله‌های مشخص و هویت‌مند بافت شهری منسجم، فشرده و به‌هم‌پیوسته وجود بازار به‌عنوان فضای تعامل اجتماعی وجود مسجد به‌عنوان فضای حضور اجتماعی
۲	عدالت اجتماعی	دسترسی یکسان به حمام، بازار، چشمه‌ها و...
۳	روابط همسایگی	عدد چهل واحد به‌عنوان اندازه بلوک‌های همسایگی؛ تجلی توجه به روابط همسایگی
۴	عمل به شرایع دینی	مرکزیت مسجد در محله
۵	نظارت اجتماعی	سلسله‌مراتب مقیاس فضاهای شهری توأم با نظارت اجتماعی وجود معابر، بن‌بست‌ها و گذرگاه‌های نیمه‌خصوصی با حداکثر نظارت اجتماعی
۶	رعایت حقوق دیگران	دور ساختن تأسیسات و صنایع مزاحم از مناطق مسکونی استقرار واحدهای تجاری در راسته صنف مربوط به خود توجه به عدم سایه‌اندازی و اشراف بناها
۷	ایمنی و امنیت	بافت شهری منسجم و نفوذناپذیر امکان نظارت اجتماعی و توجه به محرمیت در سلسله‌مراتب فضاهای عمومی

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

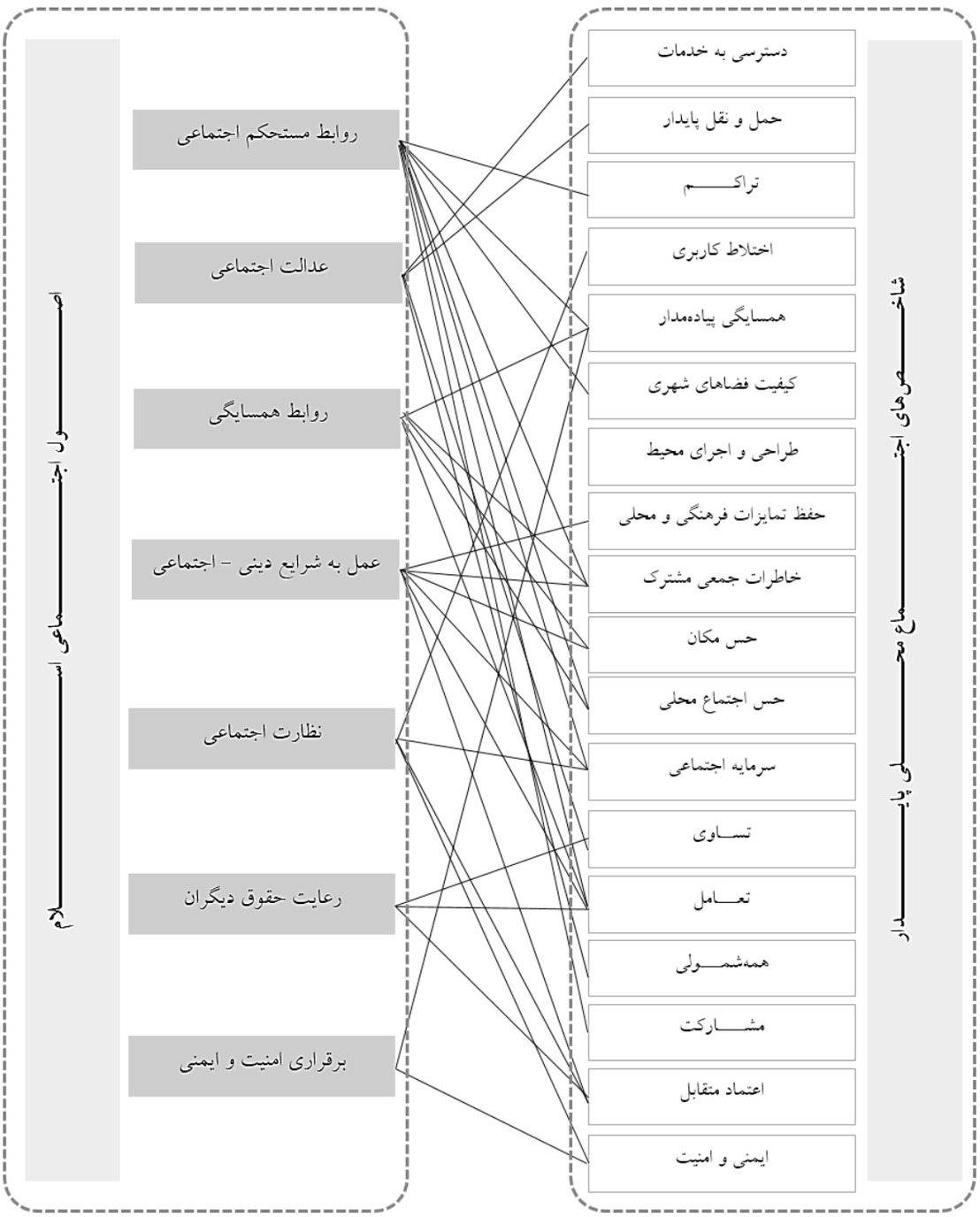

تصویر ۳: تناظر اصول اجتماعی اسلام و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار
Fig. 3: Correspondence between social principles of Islam and the indices of sustainable community

تصویر شماره ۳ ترسیم شد. در این نمودار، هفت اصل اجتماعی اسلام با شاخص‌های اجتماع محلی پایدار که هر دو در مبانی نظری ارائه و جمع‌بندی شدند، در تناظر باهم قرارگرفته‌اند و ارتباط آن‌ها با خطوطی نمایش داده‌شده است. همان‌گونه که در این تصویر دیده می‌شود، تمام اصول اجتماعی اسلام کم‌وبیش در ارتباط با شاخص‌های اجتماع پایدار قرار دارند. در این میان، اصل «روابط مستحکم» اجتماعی بیشترین میزان تناظر را با شاخص‌های اجتماع پایدار دارد.

در مرحله دوم، یافتن چهارچوبی مفهومی به‌منظور

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

استفاده از اصول اجتماعی اسلام از یک‌سو و حوزهٔ مفهومی پایداری اجتماعی از سوی دیگر، در مواجهه با چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن در شهرها مدنظر بوده است. به این منظور، در فرآیند تحلیل، مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن، در تناظر با ویژگی‌های اجتماع محلی پایدار و اصول اجتماعی اسلام قرار داده شدند. این چالش‌ها در تقابل با برخی از ویژگی‌های اجتماع محلی پایدار و نیز اصول اجتماعی اسلام قرار دارند که در نمودار تصویر شمارهٔ ٤، این تقابل مشاهده می‌شود. لازم به یادآوری است که بسیاری از چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن جنبه‌های متناقضی دارند که لزوماً در تضاد با اصول پایداری اجتماعی یا اصول اجتماعی اسلام قرار ندارند و حتی می‌توانند به تقویت و پررنگ‌تر شدن این اصول کمک کنند. به‌عنوان‌مثال، جهانی‌شدن اگرچه از یک‌سو منجر به تضعیف ارزش‌های بومی و محلی می‌شود اما از سوی دیگر و در برخی رویکردها منجر به تقویت ویژگی‌ها و تمایزات محلی و تکثرهای فرهنگی، در عین تفکر جهانی می‌شود. از بین رفتن مرزهای سیاسی نیز از دیگر مصادیق جهانی‌شدن است که در برخی موارد می‌تواند به شکل‌گیری و تقویت اجتماعات با هویت‌ها و اشتراکات فرهنگی – مذهبی منجر شود. تحقق «امت واحده» به‌عنوان کلید مفهوم اجتماعی اسلام، در ذیل همین نگاه، می‌تواند در راستای رویکرد جهانی‌شدن قرار داشته باشد.

بنابراین نگاه به جهانی‌شدن تنها از زاویهٔ تهدید، نگاهی سطحی و غیرواقعی است. می‌توان به چالش‌های یادشده از زاویهٔ فرصت نگریست و راهبردهای فرصت‌سازانه برای آن، ارائه کرد.

جدول شمارهٔ ۳، بر مبنای نمودار شمارهٔ ٤ تنظیم و تدوین شده است. در این جدول، برای مواجهه با هر یک از چالش‌های اجتماعی شش‌گانهٔ جهانی‌شدن، بر اساس اصول متناظر اجتماعی اسلام و شاخص‌های متناظر اجتماع محلی پایدار، راهبردهای کلی شهرسازی ارائه شده است. در پژوهش‌های آتی می‌توان به کمک روش‌های کمّی و میدانی، این راهبردها را اولویت‌بندی کرد و به راهکارهایی دقیق‌تر، عملی‌تر و کاربردی‌تر ارتقاء داد.

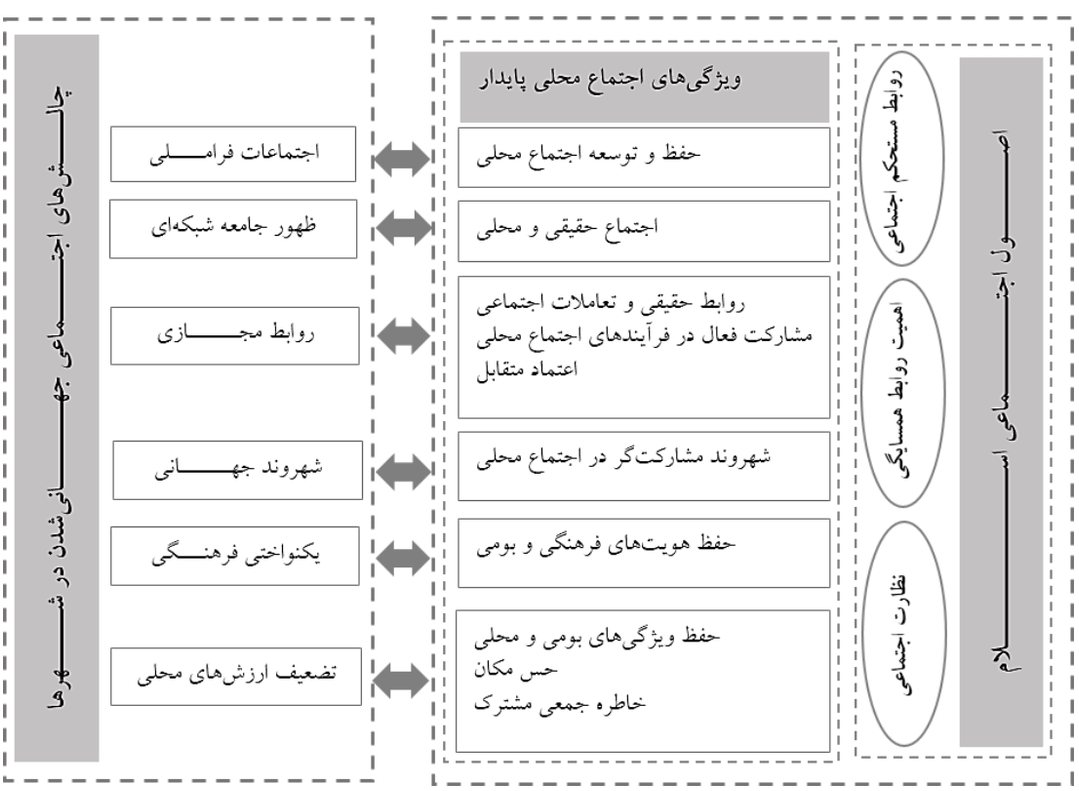

تصویر ۴: تقابل چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن با ویژگی‌های اجتماع محلی پایدار و اصول اجتماعی اسلام

Fig. 4: Social Challenges of Globalization, Sustainable Community Characteristics and Social Principles of Islam

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

جدول ۳: توصیه‌ها و راهبردها بر مبنای اصول اجتماعی اسلام و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار
Table 3: Recommendations and strategies based on Islamic social principles and sustainable community indicators

	چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن برای شهر	توصیه‌ها و راهبردها		
		اصل در اجتماعی اسلام	شاخص اجتماع محلی پایدار	راهکارهای شهرسازی
۱	ظهور جامعه شبکه‌ای	روابط مستحکم اجتماعی نظارت اجتماعی	حس اجتماع محلی همسایگی پیاده‌مدار کیفیت فضای باز شهری	ارتقاء کیفیت فضاهای شهری در مقیاس محلی و همسایگی طراحی فضاهای پیاده‌مدار اختلاط کاربری به‌منظور ارتقاء سرزندگی و حضورپذیری فضا
۲	اجتماعات فرا مـلّی	روابط مستحکم اجتماعی روابط همسایگی نظارت اجتماعی	سرمایه اجتماعی حس اجتماع محلی همسایگی پیاده‌مدار کیفیت فضای باز شهری	ارتقاء کیفیت فضاهای شهری در مقیاس محلی و همسایگی اختلاط کاربری به‌منظور ارتقاء سرزندگی و حضورپذیری فضا تقویت قرارگاه‌های رفتاری برای گروه‌های مختلف استفاده‌کننده طراحی فضاهای پیاده‌مدار
۳	روابط مجـــازی	روابط همسایگی نظارت اجتماعی	تعاملات اجتماعی مشارکت در جامعه محلی اعتماد متقابل	ارتقاء کیفیت فضاهای شهری در مقیاس محلی و همسایگی تقویت قرارگاه‌های رفتاری برای گروه‌های مختلف استفاده‌کننده طراحی فضاهای پیاده‌مدار
۴	شهروند جهـــانی	روابط همسایگی نظارت اجتماعی	تعاملات اجتماعی مشارکت در جامعه محلی	تقویت و تسهیل فرآیندهای مشارکتی در طراحی، برنامه‌ریزی و مدیریت فضاهای محله‌ای تقویت قرارگاه‌های رفتاری برای گروه‌های مختلف استفاده‌کننده فرصت‌سازی فضاهای محله‌ای برای احساس تعلق از سوی شهروندان
۵	یکنـواختی فرهنـگی	عمل به شرایع دینی- اجتماعی	حفظ تمایزات فرهنگی- محلی	توجه به تمایزات بومی – محلی در طراحی فضا طراحی فضاهای کوچک‌مقیاس استقرار کاربری‌های فرهنگی- مذهبی متناسب با روحیه فضا استفاده از نمادها و نشانه‌های فرهنگی در طراحی فضا
۶	تضعیف ارزش‌های بومی- محلی	عمل به شرایع دینی- اجتماعی	حفظ تمایزهای فرهنگی- محلی حفظ خاطرات جمعی مشترک حس مکان	توجه به تمایزات بومی – محلی در طراحی فضا طراحی فضاهای کوچک‌مقیاس حفظ و تقویت عناصر محیطی خاطره‌انگیز استقرار کاربری‌های فرهنگی- مذهبی متناسب با روحیه فضا

نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن با همـهٔ پیامـدهای مثبـت و منفـی خـود، بـرای جوامع شهری، پدیـده‌ای ظهوریافتـه یـا در حـال ظهـور در بسیاری از شهرهای بـزرگ و کوچـک دنیـا اسـت. در ایـن نوشتار در پی تبیین نحوهٔ کاربست اصول اجتماعی اسـلام و شاخص‌های اجتمـاع محلـی پایـدار بـه‌منظـور مواجهـه بـا چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن در شهرها بودیم. سؤال‌های اصلی پژوهش این بودند که مهم‌ترین چالش‌های اجتمـاعی جهانی‌شدن در شهرها کدام است؟ چگونه می‌توان از اصول اجتماعی اسلام و بروز آن در سنت شهرسازی مسـلمانان از یک‌سو و شاخص‌های اجتماع محلی پایدار به‌منظور مواجهه با چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن در شهرها بهره گرفـت؟ ضمن این دو سؤال اصلی، پرسش فرعی دیگری نیز مـدنظر بود که؛ اصول اجتماعی اسلام و اصول یک اجتمـاع محلـی پایدار در چهارچوب مفهومی توسعه پایدار تا چه میـزان در

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

تشابه و اشتراک باهم قرار دارند؟ به‌منظور پاسخ به این پرسش‌ها ضمن مرور ادبیات در سه حوزهٔ اصلی مبانی نظری پژوهش یعنی؛ «جهانی‌شدن و چالش‌های اجتماعی آن برای شهر»، «شهرسازی و اجتماع محلی پایدار» و «اصول اجتماعی اسلام و شهرسازی مسلمانان» و با استفاده از روش «تحلیل محتوای کیفی» و «استدلال منطقی»، ابتدا چهارچوبی برای چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن تدوین شد؛ بنا بر این چهارچوب نظری و در پاسخ به پرسش اول پژوهش؛ مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن برای شهرها را می‌توان در شش مفهوم «ظهور جامعه شبکه‌ای»، «اجتماعات فرا ملی»، «روابط مجازی»، «شهروند جهانی»، «یکنواختی فرهنگی» و «تضعیف ارزش‌های بومی- محلی»، خلاصه کرد. به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش دوم، نظرات اندیشمندان در باب اصول و شاخص‌های یک اجتماع محلی پایدار از یک‌سو و نیز اصول اجتماعی اسلام و تجلی آن در سنت تاریخی شهرسازی مسلمانان از سوی دیگر، موردمطالعه قرار گرفتند. ضمن طی این فرآیند به‌منظور پاسخ به پرسش فرعی پژوهش، این دو حوزهٔ مفهومی در تطابق و تناظر با یکدیگر قرار گرفتند. در نمودار ۳، حاصل این تناظر و میزان ارتباط و اشتراک اصول اجتماعی اسلام با شاخص‌های اجتماع محلی پایدار دیده می‌شود. طبق این تحلیل، توصیه اسلام به «روابط مستحکم اجتماعی» بیشترین میزان فصل مشترک را با شاخص‌های اجتماع محلی پایدار دارا است. در نمودار تصویر شماره ٤ و جدول شماره ۳، پرسش دوم پژوهش پاسخ‌داده‌شده است. این مقاله، چهارچوبی مفهومی و راهبردی به‌منظور مواجهه با چالش‌های اجتماعی جهانی‌شدن در شهرها با استفاده از اصول اجتماعی متناظر هر یک در اسلام و نیز شاخص‌های متناظر اجتماع محلی پایدار، به‌منظور کاربست در طراحی و برنامه‌ریزی شهری ارائه داده است. در پژوهش‌های آتی، بیان دقیق این راهبردها به کمک روش‌های کمّی مطالعات موردی و میدانی، قابل‌پیگیری خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. Rhizome Identity: اصطلاحی که توسط ژیل دلوز- فیلسوف فرانسوی- از زیست‌شناسی وارد فلسفه شده است.

2. Sustainable Community
3. Cosmopolitan
4. Culture of Virtual Reality

فهرست منابع

احمدی، ظهیر. ۱۳۸۸. مفهوم‌شناسی امت در قرآن و اجتماع، *پژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن کریم (پیام جاویدان)* (۱) ۲: ٤٧-٦٨.

اخوت، هانیه، نینا الماسی‌فر، و محمدرضا بمانیان. ۱۳۸۹. *معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی*. تهران: انتشارات هله، طحان.

ایروتسو، توشی‌هیکو. ۱۳۸۱. *خدا و انسان در قرآن؛ معنی‌شناسی جهان‌بینی قرآنی*. ترجمه احمد آرام. چاپ پنجم. تهران: شرکت سهامی انتشار.

پوراحمد، احمد، مهدی قرخلو، و سیروس موسوی. ۱۳۹۰. بررسی مفاهیم و شاخص‌های نظریه شهر جهانی. *نشریه باغ نظر* (۸) ١٦: ۲۹-٤۲

پوراحمد، احمد، و سیروس موسوی. ۱۳۸۹. ماهیت اجتماعی شهر اسلامی، *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی* ۲: ۱-۱۱.

پورجعفر، محمدرضا، و هادی محمودی‌نژاد. ۱۳۸۸. *طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری*. تهران: انتشارات هله.

پیشگاهی‌فرد، زهرا. ۱۳۸۰. ابعاد جهانی‌شدن. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی* ۱۵۷: ۱۵۵- ۱۷۲.

حکیم، بسیم سلیم. ۱۳۸۱. *شهرهای عربی و اسلامی*. ترجمه محمدحسین مالکی و عارف اقوامی مقدم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

تاملینسون، جان. ۱۳۹۳. *جهانی‌شدن و فرهنگ*. ترجمه محسن حکیمی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

دانشپور، سیدعبدالهادی، مصطفی عباس‌زادگان، و هومن قهرمانی. ۱۳۹۲. *خوانشی از دگرگونی شهر در عصر اطلاعات و جهانی‌شدن*. *فصلنامه*

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

معماری و شهرسازی آرمانشهر ۱۱: ۲۲۳–۲۳۸.

شریعتی، علی. ۱۳۷٦. *امت و امامت*. تهران: انتشارات حسینیه ارشاد.

عثمان، محمد عبدالستّار. ۱۳۷۵. *مدینه اسلامی*. ترجمه علی چراغی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

کاستلز، مانوئل. ۱۳۸۲. *عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه شبکه‌ای*. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاک‌با. تهران: طرح نو.

لطیفی، غلامرضا، و طاهره داوودوندی. ۱۳۸۹. تأثیر جهانی‌شدن بر توسعه اجتماعی با تأکید بر شرایط اجتماعی ایران. *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی* (۱) ۳: ۱۷۹– ۲۰۲.

مرتضی، هشام. ۱۳۸۷. *اصول سنتی ساخت‌وساز در اسلام*. ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی.

میشل، جرج. ۱۳۸۸. *معماری جهان اسلام؛ تاریخ و مفهوم اجتماعی آن*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات مولی.

واترز، مالکوم. ۱۳۷۹. *جهانی‌شدن*. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

وبستر، فرانک. ۱۳۸۰. *نظریه‌های جامعه اطلاعاتی*. ترجمه اسماعیل فصیحی. تهران: انتشارات قصیده‌سرا.

منابع انگلیسی

Ahmadi, Z. 2009. The Concept of Ummah in Quran and Society. *Journal of Science and Education of the Holy Quran* 1 (2)47-68. [In Persian]

Arundel, R, & R. Ronald. 2015. The Role of Urban Form in Sustainability of Community: The Case of Amsterdam. *Environment and Planning B: Planning and Design* (1)44: 33-53.

Barron L., & Gauntlett E. 2002. *Model of Social Sustainability.* Western Australia Council of Social Services. (WACOSS).

Bramley, G., Brown, C., Power, S., & Dempsey, N. 2006. *What is Social Sustainability and how do Existing Urban Forms Perform in Nurturing it?* London: UCL University.

Bramley, G., & S. Power. 2009. Urban form and social sustainability: the role of density and housing type. Environment and Planning B: *Planning and Design* 36: 30-48.

Bramley, G., Dempsey, N., Power, S., Brown, C. and Watkins, D., 2009. Social sustainability and urban form: evidence from five British cities. *Environment and planning A,* 41(9): 2125-2142.

Castells, M. 2002. *The Information Age: The Rise of the Network Society*, Translated by Ahmad Aligholian and Afshin Khakbaz, Tehran: Tarh e No Press. [In Persian]

Chan, E., & G. KL Lee. 2008. Critical Factors for Improving Social Sustainability of Urban Renewal Projects. *Social Indicators Research* (85)2: 243-256.

Colantonio, Andrea. 2009. Social sustainability: linking research to policy and practice. In: Sustainable development: a challenge for European research. Belgium: Brussels.

Daneshpour S. A. M. Abbaszadegan, & H. Ghahremani. 2014. A Review of Urban Transformations during Information-Globalization Era. *Armanshahr Architecture and Urban Development Journal* 6(11): 223-238. [In Persian]

Hakim, Basim Salim. 2002. *Arabic Islamic Cities*. Translated by Aref Aghvami Moghaddam & Mohammad Hosein Malek Ahmadi. Tehran: Printing and Publishing Organization of Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]

Hemani, Sh., & A. Kumar Das. 2015. Humanising urban development in India: call for a more comprehensive approach to social sustainability in the urban policy and design context. *International Journal of Urban Sustainable Development* (2)8:1-30.

Hemani, Sh., & A. Kumar Das and Anirban Chowdhury. 2017. Influence of urban forms on social sustainability: A cas of Guwahati, *Assam* 22: 168–194.

Hsiu- Fang, Hsieh, & S. E. Shanon. 2005. Three Approaches to Content Analysis. *Qualitativr Health*

Research 15(9): 1277-1288.

Izutsu, T. 2001. *God and Human in Quran*. Translated by Ahmad Aram, Fifth Edition. Tehran: Publication Joint Stock Company. [In Persian]

Latifi, Gh. & T. Davoodvandi. 2009. The Impact of Globalization on Social Development By Emphasis on Iran's Social Condition. *Social Development and Welfare Planning* 1(3): 179-202. [In Persian]

Mazumdar, S., V. Learnihan, Th.s Cochrane, & R. Davey. 2017. The Built Environment and Social Capital: A Systematic Review. *Environment and Behavior* (50)2: 119-158.

Michell, G. 2009. *Architecture of The Islamic World*. Translated by Yaqub Azhand. Tehran: Mola Press. [In Persian]

Mortad, H. 2007. *Traditional Islamic Principles of Built Environment*. Translated by Abolfazl e Meshkini and Qeumars Habibi. Tehran: Architecture and Urban Studies and Research Center. [In Persian]

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]

ODPM .2006. *EU Ministerial Informal on Sustainable Communities*. London: European Evidence Review Papers.

Okhovvat, Hanie, Nina Almasifar and Mohammadreza Bemanain. 2010. *Traditional Architecture and Urban Design in Islamic Countries*, Tehran: Tahan Press. [In Persian]

Oktay, D. 2009. Urban design for sustainability: A study on the Turkish city. *The International Journal of Sustainable Development and World Ecology* 11: 24-35.

Osman, M. A. S. 1998. *Islamic City*. Translated by Ali Cheraghi, Tehran: Amirkabir Press. [In Persian]

Partridge, E. 2005. *Social sustainability': A useful theoretical framework?* In: Australasian Political Science Association Annual Conference. Dunedin. New Zealand.

Pishgahifar, Z. 2001. The Dimensions of Globalization. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities* (157): 155-172. [In Persian]

Pourahmad, A., M, Gharakhloo, & S. Mousavi. 2011. A Study of Concepts and Indicators of the Global City Theory, *Bagh-E Nazar* 8 (16): 29-42. [In Persian]

Pourahmad, A. & S. Mousavi. 2010. The social nature of Islamic city. *Iranian- Islamic City* 1(2):1-11. [In Persian]

Pourjafar, M., & H. Mahmoudinejad. 2009. *Urban Design and Social Capital in Urban Spaces*. Tehran: Hele Press. [In Persian]

Shariati, A. 1998. Ummah and Imamah. Tehran: Hoseinie Ershad Press. [In Persian]

Tabatabaee, S. M. H. 1996. Tafsir Al-Mizan, Vol. 4. Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]

Tomlinson, J. 2014. *Globalization and Culture*. Translated by Mohsen Hakimi. Tehran: Iran Cultural Studies. [In Persian]

Waters, M. 2000. *Globalization*. Translated by Esmaeil Mardani Givi and Siavash Moridi. Tehran: Industrial Management Institute. [In Persian]

Webster, F. 2001. *Theories of the Information Society.* Translated by Esmaeil Ghadimi, Tehran: Ghasidesara Press. [In Persian]

Yung, E., H. Kwan, E. Hon Wan Chan, & Y. Xu. 2011. Sustainable Development and the Rehabilitation of a Historic Urban District–Social Sustainability in the Case of Tianzifang in Shanghai. *Sustainable Development* (2)22: 95- 112.

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.9]